

نقد و بررسی ترجمه‌های صحیفه سجادیه بر اساس تقابل‌های معنایی (بررسی موردی: آیتی، فیض الاسلام، انصاریان و رحمت کاشانی)

صلاح الدین عبدی^{۱*} ابوذر گلزار خجسته^۲

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/DUA.2023.27909.1015

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۷



چکیده

تقابل‌های معنایی جزء مهم‌ترین ارکان علم معناشناسی هستند و شناخت مقابل‌های هر واژه در روشن شدن معنای دقیق آن بسیار مؤثر است. این تقابل‌ها با انواع خاص خود، می‌تواند مترجمان را به معنای دقیق واژگان متن رهنمون سازند و بسیاری از چالش‌های ترجمه را حل و فصل نمایند. زیور آل محمد (ص) یا صحیفه سجادیه که شامل نیایش‌های گران‌بهای امام سجاد (ع) است، سرشار از واژگان متقابل با یکدیگر است. در این پژوهش که با روش توصیفی تحلیلی و با رویکرد معناشناسی در ترجمه‌های آیتی، فیض الاسلام، انصاریان و رحمت کاشانی از بیست نیایش اول صحیفه سجادیه بر اساس انواع تقابل‌های معنایی که شامل تقابل مدرج، تقابل مکمل، تقابل دوسویه، تقابل جهتی و تقابل واژگان است، مورد نقد و بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد، ترجمه انصاریان و آیتی نسبت به دیگر ترجمه‌ها، بیشتر به تقابل‌های معنایی در متن مبدأ توجه کرده‌اند و فیض الاسلام و رحمت کاشانی با توجه به جمله‌های مقارن با یکدیگر، از معنای دقیق دور شده‌اند. در بین تقابل‌های معنایی، تقابل مکمل بیشترین بسامد و تقابل دوسویه کمترین بسامد را در نیایش‌های امام زین‌العابدین (ع) داشته است.

کلمات کلیدی: نقد، تقابل معنایی، ترجمه صحیفه سجادیه، آیتی، انصاریان

۱- دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسئول) * s.abdi@basu.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا همدان golzar.aboozar@gmail.com

۱. مقدمه

انسان همواره برای تعامل و ارتباط با دیگران نیازمند زبان است که این موضوع به اجتماعی بودن وی بر می‌گردد. به بیان دیگر، «زبان نظامی است که در یک سوی آن پیام و در سوی دیگرش، مجموعه‌ای از نشانه‌ها و نمادها قرار دارد» (پالمر، ۱۳۶۶: ۲۰). اما با توجه به این که تعداد زبان‌های جهان زیاد شده است، ارتباط برقرار کردن با دیگران بسیار سخت شده است. مترجم می‌تواند این مشکل را با ترجمه صحیح مرتفع نماید.

زبان‌شناسی علمی است که چگونگی نظام یافتن زبان و عمل کرد آن را بیان می‌کند و به مطالعه‌ی علمی زبان می‌پردازد (صفوی، ۱۳۸۳: ۲۷). زبان‌شناسی در پنج حوزه‌ی اصلی واج‌شناسی، واژه‌شناسی، نحو، معناشناسی و کاربردشناسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. معناشناسی عبارت است از: مطالعه زبان-شناختی محض، مستقیم و تحت‌اللفظی معنی (لسانی فشارکی، ۱۳۸۶: ۴۱). در حوزه معناشناسی، مکتب-های گوناگونی همچون معناشناسی ساخت‌گرا، فلسفی، زایشی و شناختی وجود دارد که بخش مهمی از معناشناسی ساخت‌گرا را معناشناسی واژگانی تشکیل می‌دهد که در آن معنی واژه و واژگان مورد بررسی قرار می‌گیرد. یکی از مباحث مهم معناشناسی واژگانی، مبحث روابط مفهومی است که در آن روابط موجود بین واژه‌های زبان مورد بررسی قرار می‌گیرد و تقابل معنایی یکی از این روابط است (خجسته، ۱۳۹۰: ۲). البته باید خاطر نشان ساخت که مبحث تقابل، ثمره مکتب پراگ و با نام نیکولای تربتسکوی^۱ (۱۸۹۰-۱۹۳۸) و کتاب معروف ایشان «اصول واج‌شناسی» رقم خورده است و ایشان پایه‌گذار تقابل واجی است و از آنجایی که این مکتب جزء نگرش زبان‌شناسی نقش‌گرا^۲ محسوب می‌شود که در این نگرش به زبان به عنوان یک موتور نگاه می‌کنند و می‌خواهند بفهمند چگونه کار می‌کند و به کارکرد زبان استاندارد علاقه‌مند بودند و به زبان به عنوان ابزاری برای برقراری ارتباط می‌نگریستند (نک: سورن، ۱۳۸۸: ۵۹-۵۷ و رویینز، ۱۳۸۱: ۴۳۰-۴۲۷). لذا، ما هم در این پژوهش به نقد ترجمه‌های مذکور با توجه به ارتباط آن‌ها با زبان نگریسته‌ایم.

در این جستار، برآنیم که تقابل معنایی را در راستای دست‌یابی به ترجمه‌ای دقیق در زبان عربی مورد کاوش قرار دهیم. از همین رو، ابتدا به جایگاه تقابل‌های معنایی در دانش معناشناسی خواهیم پرداخت و سپس به‌طور اخص، به انواع تقابل‌های معنایی پرداخته و شواهدی از این قبیل در بیست نیایش اول از زبور

1 - Nikolai Trubetzkoy.

2 - Functional Linguistics.

آل محمد (ص) انتخاب خواهیم کرد و به بررسی میزان توجه و دقت ترجمه‌های آیتی (تحت اللفظی)، فیض الاسلام (آزاد)، انصاریان (وفادار) و رحمتی کاشانی (معنایی) را که هر یک نماینده‌هایی از سبک-های ترجمه صحیفه سجادیه بوده، مورد نقد و تحلیل قرار می‌دهیم و از این رهگذر به پرسش‌های زیر پاسخ می‌گوییم:

۱- عمل کرد ترجمه‌های فارسی مورد اشاره در قبال شناخت و برابری دقیق این نوع روابط مفهومی

چگونه است؟

۲- در بین انواع تقابل‌های معنایی کدام تقابل بیشترین بسامد و کدام یک کمترین بسامد را در بیست

نیایش امام سجاد (ع) داشته است؟

۱-۲. پیشینه و ضرورت پژوهش

در رابطه با تقابل‌های معنایی پژوهش‌هایی صورت گرفته که از آن میان می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «تقابل‌های معنایی در اشعار اقبال لاهوری» نوشته فیروز فاضلی اشاره کرد که در فصل‌نامه کاوش‌نامه، سال چهاردهم، سال ۱۳۹۲ منتشر شده است. این مقاله به بررسی ریشه‌های اندیشه تقابلی و هم‌چنین، شبکه نظام‌مند تقابل‌های معنایی در اشعار اقبال لاهوری می‌پردازد. هم‌چنین، مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به تقابل معنایی» نوشته کوروش صفوی در دست است که در نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه کرمان، سال اول، شماره اول به چاپ رسیده است. نویسنده در این مقاله، کلیاتی را در خصوص تقابل معنایی ارائه نموده است. پایان‌نامه‌ای با عنوان «تقابل معنایی در قرآن کریم، دانشگاه پیام نور، دانشکده ادبیات و علوم انسانی» نوشته فرزانه خجسته که در سال ۱۳۹۰ نوشته شده است. نویسنده در این مقاله، انواع تقابل‌های معنایی را ذکر نموده و با آوردن شاهد مثال‌های مربوط به هر کدام، تحلیلی اجمالی از هر تقابل معنایی ارائه داده است. دیگر، مقاله‌ای با عنوان «نقش و کارکرد تقابل‌های معنایی در ترجمه نهج البلاغه (مطالعه موردی ترجمه‌های دشتی، شهیدی، فقیهی، جعفری و فیض الاسلام) از سید مهدی مسبوق و همکاران است که در مجله مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، شماره ۵، سال ۱۳۹۵ منتشر شده است که نویسندگان ترجمه‌های نهج البلاغه را بر اساس تقابل‌های معنایی مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند. در خصوص ترجمه صحیفه سجادیه نیز مقالات اندکی نگاشته شده که از آن میان می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «تأملی در ترجمه صحیفه سجادیه»، نوشته مجید مرادی رودپشتی اشاره کرد که در مجله کتاب ماه دین، شماره ۱۲۳، سال ۱۳۸۶ منتشر شده است که نویسنده در این مقاله به صورت گذرا نگاهی به چند ترجمه از صحیفه سجادیه داشته است. هم‌چنین، مقاله‌ای با عنوان «خوانش ترجمه‌های صحیفه

سجادیه در پرتو نظریه تعادل زیبایی‌شناختی ولفگانگ آیزر» نوشته سیدمهدی مسبوق است که در مجله دعاپژوهی، شماره ۱، سال ۱۴۰۰ منتشر شده است. نویسنده در این مقاله، چهار ترجمه‌ی الهی قمشه‌ای، موسوی گرمارودی، انصاریان و آیتی را بر اساس الگوی آیزر مورد تحلیل قرار داده و از دیدگاه نظریه پذیرش در علم ادبیات تطبیقی بررسی کرده است. در مورد تقابل‌های معنایی و کارکرد آن در ترجمه انجیل اهل بیت، هیچ پژوهشی صورت نگرفته؛ لذا، پژوهش حاضر برای نخستین بار به نقد و تحلیل بیست نیایش اول از ترجمه صحیفه سجادیه در چهار ترجمه آیتی، فیض الاسلام، انصاریان و رحمت کاشانی بر اساس تقابل‌های معنایی پرداخته است.

۲. نگاهی کوتاه بر معناشناسی و انواع تقابل‌های معنایی

معمولاً نظریه معنایی به دو قسمت تقسیم می‌شود: معناشناسی ساختاری و معناشناسی واژگانی. معناشناسی ساختاری، شیوه‌ای را که به وسیله آن معانی اظهارات پیچیده به معانی اجزایشان وابسته می‌شوند و نیز شیوه‌ای را که از طریق آن، این اجزا در کنار هم قرار می‌گیرند، بررسی می‌کند. معناشناسی واژگانی، کلمات و شاید تک‌واژه‌ها را مطالعه می‌کند (رمضانی گل‌افشانی، ۱۳۸۹: ۴۷).

یکی از موضوعاتی که در معناشناسی زبانی مورد بررسی قرار می‌گیرد، بررسی معنی از دید روابط مفهومی و در سطح واژگان نظام زبان یا معنی درون‌زبانی است. روابطی همچون شمول معنایی، هم‌معنایی، هم‌آوا، چندمعنایی، تقابل معنایی و جزء‌واژگی، شناخته‌ترین این روابط است. همان‌طور که اشاره شد، تقابل معنایی یکی از روابط مفهومی در معناشناسی زبانی است. اصطلاح تقابل معنایی به هنگام بحث درباره مفاهیم متقابل یا در اصطلاح سنتی، معنای متضاد واژه‌ها به کار می‌رود. در معناشناسی عمدتاً از اصطلاح تقابل به جای تضاد استفاده می‌شود؛ زیرا، تضاد صرفاً گونه‌ای از تقابل است (صفوی، ۱۳۸۳: ۹۹). «اغلب چنین تصور می‌شود که تقابل معنایی، نقطه مقابل هم‌معنایی است، اما هر یک از این دو مقوله از پیکره کاملاً متفاوتی برخوردارند، چون زبان‌ها الزاماً محتاج واژه‌های هم‌معنی نیستند و مشکل بتوان قبول کرد که هم‌معنایی کامل وجود داشته باشد؛ ولی، تقابل معنایی یکی از ویژگی‌های نظامند و بسیار طبیعی زبان است و می‌تواند دقیقاً مورد بررسی قرار گیرد» (پالمر، ۱۳۸۱: ۱۳۷).

کروزا، تقابل را به‌نحو وسیع‌تری، مورد بررسی قرار داده و معتقد است، «بین اعضای جفت متقابل، به‌طور هم‌زمان از یک سو، رابطه نزدیکی و از سوی دیگر، رابطه دوری برقرار است» (کروز دی، ۱۹۸۶:

۱۹۷). منظور از رابطه نزدیکی، نقطه اشتراک معنایی دو واژه متقابل است. به عنوان مثال، جفت متقابل «یخ و داغ» در مقیاس سن مشترک هستند و اگر برای واژه «دما» یک محور افقی در نظر بگیریم، هر کدام از واژه‌ها در قسمتی از این محور قرار می‌گیرند. منظور از رابطه دوری، فاصله دو واژه بر روی یک محور است:



همان‌طور که در این نمودار مشاهده می‌شود، هر واژه بر روی یک محور جای دارند و دارای نقطه معنایی هستند؛ اما، بین این دو عضو به لحاظ معنایی، فاصله وجود دارد، زیرا در دو سوی نقطه میانی (ولرم) قرار دارند (صناعتی، ۱۳۷۷: ۱۸۸). در خصوص تقابلهای معنایی، انواع مختلفی ذکر گردیده است که به آن اشاره خواهیم نمود:

۱-۲. تقابل مدرج

تقابل مدرج، تقابلی را که قابلیت درجه‌بندی داشته باشد و اثبات یک مفهوم به معنای رد دیگری نباشد، شامل می‌شود. یکی از ملاک‌های صوری این متقابل‌ها، کاربرد آن‌ها به صورت تفضیلی است. در چنین شرایطی، نفی یکی از واژه‌های متقابل، اثبات واژه دیگر نیست. مثلاً، زمانی که گفته می‌شود هوشنگ پیر نیست، ضرورتاً به این معنا نیست که هوشنگ جوان است (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۱۸). «در این نوع تقابل، دو محمول، در تقابل با هم هستند؛ اگر در دو انتهای متقابل، مقیاس پیوستاری ارزش‌ها باشند. اگر بتوان صفت را با (خیلی)، (خیلی زیاد)، (چه قدر)، (چه مقدار) آورد، مدرج است. مثلاً صفت (بلند) مدرج است، چون می‌تواند با (چه قدر) بیاید و بگوییم: چه قدر بلندقد است؟» (هرفورد و همکاران، ۲۰۰۷: ۱۲۵).

«این نوع تقابل در مقوله دستوری، صفت قرار می‌گیرد. همیشه، تنها یکی از صورت‌های متضاد، نشان‌دار و دیگری بی‌نشان است. یعنی، تنها یکی از صورت‌ها برای پرسش و صحبت پیرامون کل معنی مورد استفاده قرار می‌گیرد» (پالمر، ۱۳۸۱: ۱۳۷). «در این نوع تقابل، اثبات یکی از مفاهیم، الزاماً نفی دیگری نیست، مثلاً سرد و گرم برای چیزی، ممکن است آن چیز نه سرد باشد، نه گرم» (سعید، ۲۰۰۴: ۶۷).

۲-۲. تقابل مکمل

بر خلاف تقابل مدرج در تقابل مکمل، رد یک مفهوم به منزله اثبات دیگری است یا به عبارتی دیگر در تقابل مکمل، نفی یکی از دو واژه متقابل، اثبات واژه دیگر است؛ یعنی، وقتی گفته می‌شود هوشنگ زنده نیست، ضرورتاً به این معنی است که هوشنگ مرده است (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۱۸). «در این نوع تقابل، محمول‌ها به صورت جفت می‌آیند و همه احتمالات مربوط در بین آن‌ها حذف است. یعنی، زمان یک محمول با محمول دیگر در تقابل مکمل است که مستلزم نفی محمول دیگر باشد. مثل دو واژه درست و غلط. این نوع تقابل را دوگانه نیز می‌گویند» (هرفورد و همکاران، ۲۰۰۷: ۱۲۱). «در تقابل مکمل مثل تقابل مدرج، صفت قابل درجه‌بندی نیستند. در تقابل یاد شده، معنی از تمام جهات به استثنای مشخصه اصلی که در آن با هم اختلاف دارند، یکسان است و هیچ نوع پیوستار درجه‌بندی بین دو واژه وجود ندارد» (لابنر، ۲۰۰۲: ۹۱).

۲-۳. تقابل دوسویه

این دسته از تقابل‌ها در رابطه دوسویه با یکدیگر قرار دارند. مثل خرید و فروش، زن و شوهر و غیره، به این معنی که اگر هوشنگ کتابی از کامبیز خریده باشد، پس کامبیز کتابی به هوشنگ فروخته است (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۱۸).

«اگر محمولی، رابطه بین دو چیز یا دو شخص را توصیف کند و محمول دیگری همان رابطه را هنگامی که آن دو چیز یا دو شخص به ترتیب متضادی ذکر شده باشند، توصیف کند؛ آن دو محمول در تقابل دوسویه با هم قرار دارند. مثل بالا و پایین و این نوع تقابل را وارونه نیز می‌گویند» (هرفورد و همکاران، ۲۰۰۷: ۱۲۳). «در این نوع تقابل، واژه‌های متقابل، هم‌دیگر را پیش‌فرض می‌گیرند. مثل شوهر و همسر» (کرستال، ۲۰۰۳: ۸۹).

۲-۴. تقابل جهتی

نمونه بارز این نوع تقابل، (رفت و آمد) است. در چنین تقابلی، واژه آمد نسبت به واژه رفت مستلزم حرکت به سوی یا از سوی گوینده است یا (آوردن و بردن) و (ارسال و دریافت) نیز می‌توان نام برد (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۱۹). «این نوع تقابل، حرکت را توصیف می‌کند، یکی از واژه‌ها حرکت در یک جهت و دیگری همان حرکت در جهت مقابل را توصیف می‌کند. مثل هل دادن و فشار دادن» (سعید، ۲۰۰۴: ۶۷).

۲-۵. تقابل واژگانی

در این نوع تقابل، صورت متقابل یک واژه با استفاده از عناصر منفی‌ساز مانند نا، غیر، عدم و نظایر آن، ساخته می‌شود و هر دو واژه در یک جمله به کار می‌روند. صورت منفی افعال نیز با عنصر منفی (ن) ساخته می‌شود، مانند (نیست) در برابر (است) یا (نمی‌خواستم) در برابر (می‌خواستم) (قلی‌فامیان، ۱۳۹۰: ۶۶).

۳. نقد و تحلیل تقابل‌های معنایی در صحیفه سجادیه

در این جستار سعی نموده‌ایم تا با ارائه برخی تقابل‌های معنایی در بیست نیاپش اول در صحیفه سجادیه، این مسئله را تبیین نماییم که عدم دقت در معنای حاصل از بافت کلام، باعث دور شدن مفهوم و پیام متن زبان مقصد از زبان مبدأ شده است. در این راستا، ضمن ارائه شواهدی از آخت القرآن، چهار ترجمه فارسی را نیز مورد کاوش قرار می‌دهیم:

۳-۱. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَبْدِنِي مِنْ بَغْضَةِ أَهْلِ الشَّنَانِ الْمَحَبَّةِ، وَمِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبُغْيِ الْمَوَدَّةِ، وَمِنْ ظَنَّةِ أَهْلِ الصَّلَاحِ الثَّقَّةِ، وَمِنْ عَدَاوَةِ الْأَدْنِيِّينَ الْوَلَايَةِ، وَمِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ الْمَبْرَةِ، وَمِنْ خِذْلَانِ الْأَقْرَبِينَ النَّصْرَةَ، وَمِنْ حُبِّ الْمُدَارِينَ تَصْحِيحِ الْمِقَّةِ، وَمِنْ رَدِّ الْمَلَابِسِينَ كَرَمِ الْعِشْرَةِ، وَمِنْ مَرَاةِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَةِ الْأَمَنَةِ (نیاپش بیست).

در این نیاپش شاهد تقابل معنایی بین کلمات پرشماری هستیم، مانند، «بِغْضَةِ وَ مَحَبَّةِ»، «حَسَدِ وَ مَوَدَّةِ»، «ظَنَّةِ وَ ثِقَّةِ»، «عَدَاوَةِ وَ وِلَايَةِ»، «عُقُوقِ، مَبْرَةِ»، «خِذْلَانِ وَ نَصْرَةَ»، «حُبِّ الْمُدَارِينَ وَ الْمِقَّةِ»، «رَدِّ الْمَلَابِسِينَ وَ كَرَمِ الْعِشْرَةِ»، «مَرَاةِ وَ حَلَاوَةِ»، «خَوْفِ وَ أَمَنَةِ».

بِغْضَةِ: دشمنی سخت (مصطفی و همکاران، ۱۳۸۷: ماده بغض) / مَحَبَّة: دوستی (همان: ماده حُب).
حَسَد: آرزوی از بین رفتن نعمت کسی که مستحق آن است (راغب اصفهانی، ۱۹۹۶: ماده حسد) / مَوَدَّة: علاقه، محبت (مصطفی و همکاران، ۱۳۸۷: ماده ود). ظَنَّة: بدگمانی (مصطفی و همکاران، ۱۳۸۷: ماده ظن) / ثِقَّة: اطمینان (همان: ماده وثق). عَدَاوَةُ: دشمنی (ابن فارس، ۱۹۷۹: ماده عدو) / وِلَايَةُ: نزدیکی، خویشاوندی (همان: ماده ولی). عُقُوق: نافرمانی (همان: ماده عقی) / مَبْرَةُ: نیکی (فیروزآبادی، ۱۹۹۵: ماده بر). خِذْلَان: رها کردن (ابن فارس، ۱۹۷۹: ماده خذل) / نَصْرَةَ: نیکی یاری کرد (مصطفی و همکاران، ۱۳۸۷: ماده نصر). حُبُّ: دوست داشتن (همان: ماده حب) / الْمِقَّة: تنفر (همان: مق). مَرَاة: همکاران، ۱۳۸۷: ماده نصر).

تلخی (ابن فارس، ۱۹۷۹: ماده مرّ) / حلاوة: شیرینی: (همان: ماده حلو). خوف: ترس و وحشت (ابن فارس، ۱۹۷۹: ماده خوف) / أمّنة: بدون ترس، راستی (همان: ماده أمن).

شش مورد «بغضة، محبة، حسد، مودة، مرازة و خوف» از نوع تقابل مدرج هستند، بدین معنا که ممکن است فردی نسبت به دیگری نه بغض و نه محبتی داشته باشد یا چیزی نه شیرین باشد و نه تلخ، بلکه بین این دو قرار گیرد؛ لذا، تقابل مدرج محسوب می‌شوند. اما، دیگر شواهد جزء متقابل مکمل به شمار می‌روند؛ بدین معنا که یا فردی نسبت به فرد دیگر قابل اعتماد محسوب می‌شود یا نه و چیزی بین این دو وجود ندارد. اکنون به ترجمه‌های فارسی عبارت می‌پردازیم:

الف) بار خدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و بدل بفرمای کینه‌توزی دشمنان مرا به محبت و حسد حسودان مرا به مودت و بدگمانی صالحان را در حق من به اعتماد و دشمنی نزدیکان را به دوستی و کژتابی خویشاوندان را به نیک‌خواهی و فروگذاشتن اقرابای مرا به یاریگری و دوستی ناپایدار مجامله‌گران را به دوستی پایدار و ناسازگاری معاشران را به معاشرتی کریمانه و تلخی بیم از ستم کاران را به شیرینی ایمنی از تجاوز ایشان (آیتی).

ب) بار خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست. درباره من تغییر ده، دشمنی سخت دشمنان را به دوستی و رشک بردن سرکشان از حق را به محبت و بدگمانی نیکان را به اطمینان و دشمنی آشنایان را به دوستی و بدرفتاری خویشان را به خوش‌رفتاری، و خوار گردانیدن نزدیکان را به یاری کردن و دوستی ریاکاران و مداراکنندگان را به دوستی واقعی و اهانت آمیزش کنندگان را به آمیزش نیک و تلخی ترس از ستم کاران را به شیرینی ایمن بودن (فیض الاسلام).

ج) خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست و این خصلت‌هایی که می‌شمارم به نفع من تغییر ده. شدت کینه دشمنان را به محبت و حسد متجاوزان را به مودت و بدگمانی و تهمت اهل صلاح را به اطمینان و دشمنی نزدیکان را به دوستی و مخالفت خویشان را به خوش‌رفتاری و تنها و بی‌یار گذاشتن نزدیکان را به یاری و دوستی فریب‌کاران را به درست شدن دوستی و رد کردن هم‌نشینان را به رفتاری کریمانه و تلخی ترس از ستم کاران را به شیرینی امنیت (انصاریان).

د) الهی بر محمد و آل محمد درود فرست و بغض کینه‌توزانم را به محبت و حسد دشمنانم را به دوستی و گمان نیکان را به اعتماد و دشمنی نزدیکان را به صمیمیت و بدرفتاری خویشاوندان را به خوش‌رفتاری و خوار نمودن بستگان را به یاری و محبت مداراکنندگان (ریاکار) را به دوستی واقعی و

ناسازگاری معاشران را به حسن رفتار و تلخی بیم از ستمگران را به شیرینی امنیت مبدل فرما (رحمت کاشانی، ۱۳۹۰: ۱۲۴).

در نمونه‌های فوق، شاهد ترجمه‌های به نسبت مختلفی در برخی از واژگان هستیم که به ترتیب به بررسی هر کدام خواهیم پرداخت. دو واژه‌ی (بِغْضَةٍ و مَحَبَّةً) که آیتی به کینه‌توزی و محبت و در ترجمه فیض الاسلام به دشمنی سخت و دوستی و انصاریان دو واژه مذکور را به شدت کینه و محبت و رحمتی کاشانی به بغض و محبت، ترجمه کرده‌اند که در این میان جز ترجمه فیض الاسلام، تمامی ترجمه‌ها توانسته‌اند ترجمه‌ای بهتر از دو واژه ارائه دهند؛ لذا، فیض الاسلام به جای کلمه کینه از دشمنی و به جای کلمه محبت از دوستی استفاده نموده است. اما دو واژه (ظَنَّةٌ و ثِقَّةٌ) در دو ترجمه آیتی و رحمتی کاشانی به بدگمانی و اعتماد و در دو ترجمه دیگر به بدگمانی و اطمینان ترجمه گردیده است. چنان‌که پیدا است، نقطه مقابل گمان، اعتماد است که ترجمه انصاریان و فیض الاسلام از این نکته غفلت نموده‌اند. دو واژه (عُقُوقٌ و مَبْرَةٌ) از دیگر موارد مورد اختلاف در چهار ترجمه مذکور است که هیچ‌یک از آن‌ها نتوانسته‌اند بر اساس تقابلی معنایی ترجمه‌ای روان ارائه دهند. در زبان عربی (عُقُوقٌ) به معنای نافرمانی بوده و در این میان، نقطه مقابل این واژه مطیع و فرمان‌بردار بودن است. با تأملی در چهار ترجمه در خواهیم یافت که هر کدام، ترجمه‌ای به دور از متن اصلی ارائه داده‌اند. در مورد دو واژه (رَدُّ الْمَلَابِسِینَ وَكَرَمَ الْعِشْرَةِ) نیز لازم به ذکر است که فیض الاسلام آن را به اهانت آمیزش کنندگان و به آمیزش نیک، ترجمه کرده است که تا حدودی مغایر با ترجمه بوده و نکته قابل بحث در مورد کلمه‌های رَدُّ به معنای نپذیرفتن و کَرَمٌ به معنای بخشش است که در مجموع هر چهار مترجم قادر به ترجمه دقیق نبوده‌اند. چنان‌که ذکر گردید، مترجم ملزم بر رعایت تقابلی معنایی و بافت کلام در ترجمه است و در این راستا، هر چهار مترجم در ترجمه می‌توانستند ترجمه بهتری ارائه دهند. دو واژه (خَوْفٌ و الْأَمْنَةُ)، زیرا (خَوْفٌ) به معنای ترس و (أَمْنَةُ) به طبع به معنای آرامش باید باشد که هر چهار مترجم آن را به امنیت ترجمه نموده‌اند که بر اساس تقابلی معنایی آرامش مناسب‌تر است؛ اما، امنیت خطا نیست که نشان از کم‌توجهی ایشان به مقوله بافت کلام دارد و بر اساس تقابلی معنایی می‌توانستند ترجمه‌ای دقیق‌تر ارائه دهند.

ترجمه پیشنهادی: خداوندا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و کینه دشمنان را به محبت و حسد سرکشان از حق را به مودت و بدگمانی صالحان را به اعتماد و دشمنی نزدیکان را به دوستی و نافرمانی خویشاوندان را به فرمان‌برداری و فروگذاشتن نزدیکان به یاریگری و دوستی ریاکاران را به دوستی پایدار و نپذیرفتن معاشران را به بخشش و تلخی ترس از ستم کاران را به شیرینی آرامش، در مورد من تغییر بده.

۲-۳. فَأَكُونَ قَدْ شَقِيتُ بِمَا أَحْبَبْتُ وَسَعِدَ غَيْرِي بِمَا كَرِهْتُ (نیایش هجده)

هنگامی که خطری از امام دفع می‌شد و حاجت ایشان برآورده می‌گشت، نیایش فوق را در راستای حمد و ستایش خالق یکتا بیان می‌نمود. در این عبارت، بین افعال (شَقِي و سَعِد) و (أَحْبَبْتُ و كَرِهْتُ) تقابل معنایی وجود دارد و بین تمامی واژه‌ها تقابل مکمل حاکم می‌باشد. شَقِي: بدبخت (مصطفی و همکاران، ۱۳۸۷: ماده شقی) / سَعِد: متضاد شَقِي و خوشبخت (همان: ماده سعد). أَحْبَبْتُ: دوست بدارم (همان: ماده حَب) / كَرِهْتُ: بیزاری جستم (همان: ماده کره). اکنون به ترجمه‌های فارسی این نیایش می‌پردازیم:

الف) تا آنچه دوست می‌داشته‌ام، سبب شوربختی من شود و دیگری از آنچه من ناخوش می‌داشته‌ام به سعادت رسد (آیتی).

ب) به سبب آنچه دوست دارم و دیگری به سبب آنچه در دنیا پسند من نیست، خوشبخت شود (فیض الاسلام).

ج) در نتیجه، به سبب آنچه که دوست دارم، بدبخت شوم و دیگری به خاطر آنچه که خوش ندارم، خوشبخت شود (انصاریان).

د) تا آنچه را دوست می‌داشته‌ام، سبب بدبختی‌ام گردد و از آنچه بدم می‌آمد، مایه خوشبختی من شود (رحمت کاشانی).

در نمونه‌های فوق، هر یک از مترجمان ترجمه‌ای از دعای امام زین العابدین ارائه داده‌اند. به عنوان نمونه، در ترجمه انصاریان شاهد رویارویی چهار تقابل معنایی به صورت واضح، می‌باشیم که ترجمه‌ی بهتری را نسبت به دیگر ترجمه‌ها بیان کرده است. اما، ترجمه فیض الاسلام نه تنها تقابل معنایی بین چهار واژه را رعایت نکرده؛ بلکه، ترجمه واژه (شَقِيتُ) را نیاورده و ترجمه را گنگ نموده است. در ترجمه رحمت کاشانی، گرچه ترجمه‌ای صحیح از تقابل واژگان ارائه داده است؛ اما، ترجمه واژه (غَيْرِي) را نیاورده است و آن را به صورت (من) ترجمه کرده است که کاملاً بر خلاف نیایش امام (ع) است. ترجمه پیشنهادی: به سبب آنچه که دوست دارم، بدبخت شوم و دیگری به خاطر آنچه که دوست ندارم، خوشبخت شود.

۳-۳. وَأَنْتَ الَّذِي عَفُوهُ أَعْلَىٰ مِنْ عِقَابِهِ وَأَنْتَ الَّذِي تَسْعَىٰ رَحْمَتُهُ أَمَامَ غَضَبِهِ. وَأَنْتَ

الَّذِي عَطَاؤُهُ أَكْثَرُ مِنْ مَنَعِهِ (نیایش شانزده)

طلب بخشش از خالق یکتا، همواره از سوی امام زین العابدین بوده و نیایش فوق در این راستا از سوی امام (ع) بیان گردیده است. در این نیایش، تقابل معنایی بین واژه‌های (عَفُو و عِقَاب)، (رَحْمَةٌ و غَضَبٌ) و (عَطَاءٌ و مَنَعٌ) وجود دارد که تقابل مکمل بین تمامی آن‌ها در اجرا است. عَفُو: گذشت (ابن منظور، ۱۹۹۱: ماده عَفُو) / عِقَاب: مجازات (همان: ماده عقب). رَحْمَةٌ: بخشش (ابن فارس، ۱۹۷۹: ماده رحم) / غَضَبٌ: خشم گرفتن (مصطفی و همکاران، ۱۳۸۷: ماده غضب). عَطَاءٌ: بخشش: (همان: ماده عطی) / مَنَعٌ: متضاد عطاء، محروم کرد (ابن فارس، ۱۹۷۹: ماده منع). اینک به بازکاوی ترجمه‌های فارسی این نیایش می‌پردازیم:

الف) تویی که عفوت را از عقابت پیشی است. تویی که رحمت را بر غضبت پیشی است. تویی که عطای تو بیشتر از منع توست (آیتی).

ب) ای حبیب، عفو خدا از گناهان تو بیشتر است و تو آنی که رحمت او بر غضبش پیشی می‌گیرد و تو آنی که بخشش او از منع و بازداشتش افزون است (فیض اسلام).

ج) تویی که عفو و بخشش از عقابش برتر است و تویی رحمتش پیشاپیش غضبش حرکت می‌کند و تویی که عطا و بخشش، از منع کردنش بیشتر است (انصاریان).

د) تویی که آمرزش و بخشش بالاتر از کیفر توست و تویی که رحمت بر غضبت پیش‌گیرد و تویی که عطایات بسیار از منعت بیشتر است (رحمت کاشانی).

ترجمه‌های فوق، هر یک به شکلی سعی نموده‌اند تا مفهومی را که از عبارت امام (ع) برداشت کرده‌اند، به مخاطب ارائه نمایند. در ابتدا به ترجمه فیض الاسلام می‌پردازیم. جایی که ایشان در ترجمه واژه (عِقَاب) از کلمه گناه استفاده کرده است با توجه به معنای تقابلی آن با واژه (عَفُو) به هیچ وجه، معادل مناسبی نیست و ایشان در ترجمه دقیق نبوده‌اند و همچنین، با نادیده گرفتن ضمائر موجود در متن عربی، ترجمه را از مسیر اصلی دور کرده است و گویی روی سخن امام (ع) با مخلوق و شخص خاصی است. دیگر ترجمه‌ها به نسبت، ترجمه‌ای تحت الفظی اما، صحیح از نیایش بیان داشته و در مجموع، می‌توان گفت، ترجمه انصاریان با توجه به بافت کلام و تقابل‌های موجود بین واژگان، بهترین ترجمه نسبت به دیگر ترجمه‌ها بوده است.

ترجمه پیشنهادی: تویی که بخشش از کیفرت برتر است و تویی که رحمت بر غضبت پیشی گرفته است و تویی که بخشش، از منع کردنت بیشتر است.

۳-۴. وَأَجْزُلُ لَنَا فِيهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ، وَأَخْلِنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ (نیایش ششم)

نیایش فوق قسمتی از نیایش ششم امام زین‌العابدین در هنگام صبح و شام است. امام (ع) با آوردن واژگان تقابلی و هم‌وزن، ضرب‌آهنگ خاصی در نیایش به وجود آورده است که زیبایی خاصی بدان بخشیده است. در این عبارت، شاهد تقابل معنایی بین واژه‌های (أَجْرِلُ و أَخْلِي) و (الْحَسَنَاتُ و السَّيِّئَاتُ) هستیم که بین دو واژه اول، تقابل دوسویه حکم‌فرماست و بین دو واژه دومی، تقابل مکمل وجود دارد. أَجْرِلُ: فراوان کن (ابن فارس، ۱۹۷۹: ماده جزل) / أَخْلِي: تهی کن (همان: ماده خلو). در این بین، برخی ترجمه‌ها، این تضادهای معنایی را به خوبی و در تقابل با یک‌دیگر به زبان مقصد منتقل کرده‌اند که ابتدا به ترجمه‌های این عبارت پرداخته و در ادامه آن را مورد تحلیل و تبیین قرار می‌دهیم:

الف) ما را در این روز از حسنات، پاداشی جزیل عنایت کن و از سیئات، دور بدار (آیتی).

ب) در این روز برای ما نیکی‌ها را بیفزای و از بدی‌ها تهی مان ساز (فیض الاسلام).

ج) ما را از خوبی‌ها سرشار و فراوان قرار ده و از زشتی‌ها تهی کن (انصاریان).

د) ما را در این روز از حسنات و پاداششان سرشار گردان و از گناهان و معاصی دور ساز (رحمت کاشانی).

دو فعل امر (أَجْرِلُ و أَخْلِي) به معنای سرشار بکن و تهی و خالی بکن، هستند که آیتی این دو فعل را به صورت (جزیل عنایت کن و دور بدار)، آورده است و به‌ویژه، فعل (أَخْلِي) را به صورت (دور بدار) آورده است که ترجمه‌ای دقیق از نیایش نیست، چرا که تضاد فعل دور ساختن، نزدیک ساختن باید باشد که چنین واژه‌ای در نیایش فوق وجود ندارد. ترجمه رحمت کاشانی نیز در ترجمه دو فعل امر، همانند آیتی گام برداشته و از عبارت (دور ساز) استفاده کرده که بر اساس بحث تقابل مناسب نیست. ترجمه انصاریان به نسبت ترجمه‌ای دقیق‌تر بوده و توانسته است ترجمه‌ای روان ارائه دهد.

ترجمه پیشنهادی: ما را در این روز از خوبی‌ها سرشار کن و از بدی‌ها خالی کن.

۳-۵. **أَمْرٌ أَمَرْتُ بِهِ فَأَبْطَأْتُ عَنْهُ، وَنَهَيْتُ نَهَيْتَنِي عَنْهُ فَأَسْرَعْتُ إِلَيْهِ وَنِعْمَةٌ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ فَقَصَّرْتُ فِي شُكْرِهَا** (نیایش دوازده)،

نیایش دوازدهم، مختص به طلب توبه از سوی امام (ع) بوده که ایشان با به کارگیری واژگان متضاد، علاوه بر اعتراف به گناه و طلب آمرزش، پیوندی خاص بین واژگان تقابلی ایجاد کرده‌اند و زیبایی خاصی به آن بخشیده‌اند. در این نیایش بین دو واژه‌ی (أَبْطَأْتُ و أَسْرَعْتُ) تقابل جهتی و بین واژه‌های (أَمْرٌ و نَهْيٌ) و (أَمَرْتُ ب و نَهَيْتَنِي عَنْ) تقابل مکمل وجود دارد. أَبْطَأْتُ: تاخیر کردم، درنگ کردم (مصطفی و همکاران، ۱۳۸۷: ماده بَطَأُ) / أَسْرَعْتُ: شتافتم (همان: ماده سَرَعَ). چنان که قبلاً ذکر گردید، در تقابل‌های

جهتی، مستلزم حرکت به سوی یا بازگشت از سوی است که در (أَبْطَأْتُ و أَسْرَعْتُ) شاهد چنین وضعیتی می‌باشیم. اینک به ترجمه‌های فارسی این نیایش می‌پردازیم:

الف) فرمانی که داده‌ای و من در گزاردن آن درنگ کرده‌ام، کاری که مرا از آن نهی فرموده‌ای و من در به جا آوردن آن شتابیده‌ام و نعمتی که مرا ارزانی داشته‌ای و من در سپاس آن قصور ورزیده‌ام (آیتی).
ب) امری که به آن فرمان دادی و من از به‌جا آوردن آن درنگ کردم و نهی‌ای که از آن جلوگیری کردی و من به سوی آن شتافتم و نعمتی که به من بخشیدی و من در سپاس‌گزاریش کوتاهی نمودم (فیض الاسلام).

ج) کار خوبی که مرا به آن فرمان دادی و من در انجامش کندی کردم و کار زشتی که مرا از آن باز داشتی و من در ارتکابش شتاب ورزیدم و نعمتی که به من دادی و من در سپاس‌گزاریش کوتاهی کردم (انصاریان).

د) فرمانی که داده‌ای و من در انجامش درنگ کرده‌ام و کاری که مرا از آن نهی فرمودی، ولی من بدان شتافته‌ام و نعمتی که عطا فرموده‌ای، ولی من در شکرگزاریش کوتاهی نموده‌ام (رحمت کاشانی).
ابتدا به واکاو دو واژه (أَمْرٌ و نَهْيٌ) در ترجمه‌های فوق می‌پردازیم، چنان که از کلمات پیداست، نقطه مقابل نهی، امر است که آیتی و رحمت کاشانی در ترجمه واژه نهی از کلمه‌ی (کار) استفاده نموده‌اند و معادل دقیقی برای ترجمه (نهی) نیست. انصاریان در ترجمه واژه (أَمْرٌ) از عبارت (کار خوب) استفاده نموده و در ترجمه واژه (نَهْيٌ) از (کار زشت) بهره جسته که چنین معادلی نیز دقیق نیست. در مورد ترجمه دو واژه (أَبْطَأْتُ و أَسْرَعْتُ)، هر چهار مترجم، قادر به ارائه ترجمه صحیح بوده و آگاهی کامل از تقابل معنایی بین دو واژه داشته‌اند.

ترجمه پیشنهادی: امری که به آن فرمان دادی و من از به‌جا آوردن آن کوتاهی کردم و نهی‌ای که مرا از آن جلوگیری کردی و من به سوی آن شتافتم و نعمتی که به من بخشیدی و من در سپاس‌گزاریش کوتاهی نمودم.

۳-۶. أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجَمَلَتِهَا لَكَ: سَمَاوُهَا وَأَرْضُهَا، وَمَا بَثَّتْ فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا، سَاكِنُهُ وَمَتَحَرِّكُهُ، وَمَقِيمُهُ وَشَاخِصُهُ وَمَا عَلَا فِي الْهَوَاءِ، وَمَا كُنَّ تَحْتَ الثَّرَى (نیایش ششم)

چنان که قبلاً ذکر گردید، نیایش ششم امام سجاد (ع) مختص به نیایش‌های ایشان، هنگام صبح و شام است. در نیایش فوق که قسمتی از نیایش ششم می‌باشد، امام (ع) به نحو احسن از تقابل‌های معنایی از

نوع جہتی، بهره جسته و قدرت خالق یکتا را در به وجود آوردن مخلوقات به تصویر کشیده است. ظاهر عبارت فوق، چنان که گفتیم، گویای چندین تقابل معنایی است که همگی تقابل جہتی هستند. از این رو، بین واژه‌های (سَمَاء و اَرْض)، (سَاكِن و مُتَحَرِّك)، (مُقِيم و شَاخِص)، (عَلَا و تَحْتَ) و (الْهَوَاء و الثَّرَى) ارتباط مفهومی متضادی برقرار است.

سَاكِن: مستقر (ابن منظور، ۱۹۹۱: ماده سکن) / مُتَحَرِّك: بی‌ثبات، روان (همان: ماده حرک). مُقِيم: همیشگی، ساکن (مصطفی و همکاران، ۱۳۸۷: ماده قام) / شَاخِص: مسافر، حرکت کننده (همان: ماده شخص). عَلَا: بلند (همان: ماده علو) / تَحْتَ: پایین، پست (همان: ماده تحت). الْهَوَاء: جو (همان: ماده هوا) / الثَّرَى: خاک (بستانی، ۱۳۷۶: ماده ثری). بعد از پرداختن به ترجمه‌های فارسی عبارت به واکاوی و بررسی ترجمه‌ها می‌پردازیم:

الف) ما و همه چیزها جملگی صبح کردیم و همه از آن توایم. از آسمان و زمین و هرچه در آن دو نهاده‌ای از آرمیده و جنبنده و ایستاده و رونده و هر چه بر هواس و هر چه درون زمین است (آیتی).

ب) به صبح در آمدیم و همه چیزها از آسمان و زمینشان و آنچه در هر یک از آن دو پراکنده ساختی از آرام و جنبنده و ایستاده و رونده آن و آنچه در هوا بالا رفته و آنچه در زیر خاک پنهان است (فیض الاسلام).

ج) شب را برای تو صبح کردیم. همه آفریده‌ها برای تو قدم در عرصه صبح گذاشتند. آسمان و زمینشان و آنچه در هر کدام از آن‌ها پراکنده‌ای، ساکن و جنبنده‌اش، ایستاده و رونده‌اش و آنچه در هوا بالا رفته و آنچه زیر خاک پنهان شده (انصاریان).

د) ما و همه‌ی پدیده‌ها از آسمان و زمین و آنچه در آن دو، پراکندی از آن توایم؛ ثابت و جنبنده ایستاده و رونده، آنچه در هوا بالا رفته و آنچه در زمین پنهان گردیده (رحمت کاشانی).

واژه‌های (سَاكِن و مُتَحَرِّك) به معنای بی‌حرکت و حرکت کننده هستند که آیتی در ترجمه این دو واژه از آرمیده و جنبنده استفاده نموده است که مغایر با تقابل‌های معنایی است. گویی آیتی با آوردن کلمه آرمیده، قصد بیان خواب و بیدار بودن برای تمامی موجودات داشته که این ترجمه هیچ ارتباطی با نیایش امام (ع) ندارد. فیض الاسلام از کلمه (آرام) در ترجمه (سَاكِن) استفاده نموده است که هیچ تناسبی با واژه (مُتَحَرِّك) ندارد. در مورد ترجمه واژه‌های (مُقِيم و شَاخِص) لازم به ذکر است، هر چهار مترجم در ترجمه واژه (مُقِيم) از کلمه ایستاده بهره جسته و بر این اساس، نقطه مقابل کلمه ایستاده باید کلمه نشسته باشد، اما با تأملی بر متن عربی هیچ واژه‌ای دال بر نشسته بودن وجود ندارد و می‌توان گفت، هر چهار مترجم به خطا

رفته‌اند. با توجه به ترجمه واژه (شاخص) به معنای رونده، باید ترجمه واژه (مقیم)، ثابت باشد تا تقابل معنایی بین واژگان رعایت شود. در مورد ترجمه (عَلَا فِي الْهَوَاءِ وَ تَحْتَ الثَّرَى) نیز آیتی اشاره‌ای به ترجمه (علا) نداشته و در ترجمه (تحت) نیز توجه کافی مبذول نکرده است و به جای، کلمه (زیر) از (درون) استفاده کرده است که بر خلاف تقابل‌های معنایی گام برداشته است. رحمت کاشانی نیز در ترجمه (تحت) بی‌توجهی به خرج داده و نسبت به ارتباط بین دو واژه (علا و تحت) غفلت نموده است. فیض الاسلام و انصاریان به نسبت به دو مترجم دیگر، ترجمه‌ای صحیح‌تر از نیایش امام (ع) ارائه داده‌اند. ترجمه پیشنهادی: همه آفریده، شب را برای تو صبح کردیم. آسمان و زمینشان و آنچه در هر کدام از آن‌ها پراکنده‌ای، بی‌حرکت و حرکت کننده، ثابت و رونده‌اش و آنچه در هوا بالا رفته و آنچه زیر خاک پنهان شده است.

۷-۳. اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ كِدْنَا وَلَا تَكِدْ عَلَيْنَا، وَأَمْكُرْنَا وَلَا تَمْكُرْ بِنَا،
وَأَدِلْنَا وَلَا تُدِلْ مِنَّا (نیایش پنجم)

تقابل واژگانی که قبلاً به آن اشاره گردید، به کمک تک‌واژه‌های منفی‌ساز به وجود می‌آیند، مانند، آگاه و ناآگاه. در نیایش پنجم، امام زین العابدین با بهره‌گیری از این نوع تقابل معنایی در حق خود و خویشاوندان دعا نموده‌اند. چنان‌که از متن فوق پیداست، بین واژه‌های (کید و لا تکد)، (امکر و لا تمکر) و (ادل و لا تدل)، تقابل واژگانی برقرار گشته است. کید: مکر و حيله کن (ابن فارس، ۱۹۷۹: ماده کید). امکر: مکر کن (همان: ماده مکر). اینک به بررسی این نیایش بعد از آوردن ترجمه‌های فارسی می‌پردازیم:

الف) بار خدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و به سود ما تدبیر کن نه بر زیان ما. به سود ما مکر نما، نه به زیان ما. ما را پیروزی ده و پیروزی از ما مستان (آیتی).

ب) بار خدایا، بر محمد و آل او درود فرست و به سود ما تدبیر فرما و به زیان ما کید منما و برای دشمنان ما مکر کن و با ما مکر مکن و ما را بر (دشمنان دین) پیروز گردان و آن‌ها را بر ما پیروز مگردان (فیض الاسلام).

ج) خدایا، بر محمد و آلش درود فرست و به سود ما، چاره فرما و به زیان ما، چاره مساز و به سود ما تدبیر کن و به زیان ما، تدبیر مفرما و ما را بر دیگران پیروزی ده و دیگران را بر ما پیروز مگردان (انصاریان).

د) بار اله، بر محمد و آل محمد درود فرست و در امورمان به سود ما تدبیر و چاره کن، نه به زیان ما و ما را بر دیگران چیره گردان، نه دیگران بر ما (رحمت کاشانی).

در مورد ترجمه دو واژه (كِدْنَا وَ لَا تَكِدْ عَلَيْنَا) هر چهار مترجم، بر اساس تقابلی‌های معنایی توانسته‌اند ترجمه‌ای صحیح از نیایش ارائه دهند. اما در مورد دو واژه متضاد (أَشْكُرُ لَنَا وَ لَا تَشْكُرُ بِنَا) شاهد تناقص-هایی بین ترجمه‌های فارسی هستیم. به عنوان نمونه، انصاریان در ترجمه این دو کلمه از عبارت‌های (سود ما تدبیر کن و به زیان ما تدبیر مفرما) استفاده کرده است. گرچه، تقابل معنایی در ترجمه ایشان رعایت گشته است؛ اما ترجمه صحیح عبارت، به سود ما مکر کن نه به زیان ما است. رحمت کاشانی نیز اصلاً ترجمه‌ای از این دو واژه ارائه نداده است و گویی این دو واژه وجود نداشته‌اند. می‌توان نتیجه گرفت، بر اساس تقابلی‌های معنایی و به‌خصوص تقابل واژگانی، در بین چهار ترجمه، آیتی ترجمه‌ای بهتر از سایرین ارائه داده است.

ترجمه پیشنهادی: بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و به سود ما تدبیر کن و به زیان ما تدبیر نکن و به سود ما مکر کن و به زیان ما مکر نکن و ما را پیروزی ده و پیروزی را از ما بگیر.

۴. نتیجه‌گیری

یکی از روش‌های گوناگون معناشناسی در توصیف دقیق معنای واژه‌ها، تقابل معنایی است. این مبحث از معناشناسی که جزء مقوله‌ی هم‌نشینی واژگان قرار دارد، اصولاً، بافت کلام را به عنوان یکی از محورهای اصلی کار خود قرار می‌دهد، به گونه‌ای که از میان سایر روابط مفهومی بین واژگان، سعی نمودیم تا تقابلی‌هایی معنایی را در خدمت ترجمه به کار گیریم. لازم به ذکر است که شناخت تقارن جمله-های متضاد با یکدیگر، تا حدّ زیادی مترجم را در دستیابی به ترجمه‌ای دقیق و صحیح یاری می‌کند. در این راستا، چهار ترجمه فارسی از صحیفه سجادیه را برگزیدیم و عمل کرد مترجمان را در قبال مسئله تقابل مورد ارزیابی قرار دادیم. نتیجه نشان داد، ترجمه انصاریان و آیتی نسبت به دیگر ترجمه‌ها، بهتر بوده و توجه بیشتری به تقابلی‌های معنایی در متن مبدأ داشته‌اند و شاهد رویارویی تقابلی معنایی به صورت واضح در ترجمه ایشان هستیم که بهترین ترجمه را نسبت به دیگر ترجمه‌ها بیان کرده‌اند. در برخی از موارد، مترجمان به‌ویژه، فیض الاسلام و رحمت کاشانی با توجه به جمله‌های مقارن با یکدیگر، از معنای دقیق دور شده‌اند. هم‌چنین، تقابل مکمل بیشترین بسامد را در نیایش‌های امام زین العابدین (ع) داشته و بدین خاطر، مترجمان در قبال این تقابل، بیشترین چالش را داشته‌اند و تقابل دوسویه کمترین بسامد را به خود اختصاص داده است.

۵. منابع

- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۷۲)، صحیفه سجاده، چاپ اول، تهران: انتشارات سروش.
- ابن فارس، بن زکریا (۱۹۷۹)، معجم مقاییس اللغة، محقق: عبدالسلام هارون، بیروت: دار الفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۹۹۱)، لسان العرب، الطبعة الثانیه، قم: ادب الحوزه.
- انصاریان، حسین (۱۳۹۱)، صحیفه سجاده، تهران: نشر نی.
- بستانی، فواد افرام (۱۳۷۶)، فرهنگ ابجدی، تهران: نشر اسلامی.
- بالمر، فرانک (۱۳۶۶)، نگاهی تازه به معنی شناسی، ترجمه کوروش صفوی، تهران: نشر مرکز.
- خجسته، فرزانه (۱۳۹۰)، تقابل معنایی در قرآن کریم، پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی و زبان خارجی، دانشگاه پیام نور.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۹۹۶)، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان داوودی، دمشق: دار القلم.
- رحمت کاشانی، حامد (۱۳۹۰)، صحیفه سجاده، چاپ اول، تهران: انتشارات پیام عدالت.
- رضانی گل افشانی، نیلوفر (۱۳۸۹)، بررسی درک و بیان روابط معنایی کودکان با سن تقویمی ۶ تا ۱۱ سال، پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- رویینتر، آر. اچ (۱۳۸۱)، تاریخ مختصر زبان شناسی، ترجمه علی محمد حق شناس، چاپ چهارم، تهران: کتاب ماد..
- سون، پیتر آ. ام (۱۳۸۸)، مکاتب زبان شناسی نوین در غرب، ترجمه علی محمد حق شناس، تهران: سمت.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۳)، در آمدی بر معناشناسی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- صنعتی، مرضیه (۱۳۷۷)، «تقابل معنایی و جزء واژگانی در ترجمه»، سومین کنفرانس بررسی مسائل ترجمه، دانشگاه تبریز.
- فیروزآبادی، مجد الدین (۱۹۹۵)، القاموس المحيط، تحقیق: محمد نعیم عرق سوسی، دمشق: مؤسسه الرساله.
- فیض الاسلام، سیدعلی نقی (۱۳۸۶)، ترجمه و شرح صحیفه سجاده، چاپ نهم، قم: انتشارات فقیه.
- قلی فامیان، علی رضا (۱۳۹۰)، کارکرد کلامی تقابل واژگانی در زبان فارسی، مجله زبان و زبان شناسی، سال دوم، شماره ۱، صص ۷۴-۵۵.
- لسانی فشارکی، محمدعلی (۱۳۸۶)، کاربرد روش های معنی شناسی در قرآن کریم، مجله صحیفه مبین، شماره ۳۹، صص ۵۲-۳۶.
- مصطفی، ابراهیم. الزیات، حسن. حامد، احمد عبد القادر (۱۳۸۷)، المعجم الوسیط، قم: مؤسسه فرهنگی تبیان.
- Cruse, D. Alan., Lexical semantics, Cambridge: Cambridge University, (1986).
- Crystal, David., A Dictionary of Linguistics & Phonetics, Oxford: Blackwell Publishing, (2003).
- Hurford, James R, Brendan Heasley & Michael B. Smith., Semantics: A Coursebook, Cambridge: Cambridge University Press, (2007).
- Löbner, Sebastian, Understanding Semantics, London: Hodder Education, (2002).
- Saeed, John, Semantics, Oxford: Blackwell Publishing, (2004).